

بیستون

بخش ۳ و پایانی

پژوهش: آرمین

کسروی

خط میخی چیست؟

خط میخی خطی است که توسط اقوام باستانی آسیای غربی مثل سومری ها، آشوری ها، بابلی ها، ایلامی ها و ایرانی ها از هزاره سوم پیش از میلاد تا نیمه سده اول میلادی برای نوشتن استفاده می شده است. در این خط واژه ها یا هجاها یا حروف آن از نشانه های میخ ماندگی که در کنار هم قرار گرفته اند درست شده است. این میخها با توجه به جهت قرار گرفتنشان تشکیل چهار عنصر را می دهند. عنصر پنجمی هم وجود دارد که از ترکیب دو میخ به صورت زاویه ای با دهانه باز به سمت راست، درست شده است. این احتمال می رود که سومری ها نشانه های خط میخی را در حدود ۲۹۰۰ پیش از میلاد در جلگه های پایین دجله و فرات، با ساده کردن خط تصویری ساخته اند. اکدی ها نیز با کوچ کردن به بابل، از سال ۲۴۰۰ پیش از میلاد خط میخی گرفته شده از خط تصویری را از سومری ها آموختند. ولی خط میخی اکدی-سومری شکل بسیار پیچیده ای داشت. این خط بیش از ۲۰۰۰ نشانه و ۲۰۰۰ هزارش داشت. بعدها بابلی ها با کاستن از تعداد نشانه های خط میخی، آن را به ۴۰۰ تا ۳۵۰ نشانه رساندند. اکدی ها با صرف نظر کردن از تاثیر معنی واژه، در شکل واژه فصل تازه ای را در تاریخ خط گشودند و از واژه نگاری به هجا نگاری توجه نمودند. در زمان فرمانروایی اکدی ها در بابل، خط میخی به آشور و ایلام نیز راه یافت و اندکی بعد کاری ها در آسیای صغیر نیز به خط میخی روی آوردند. خط میخی، کمی پس از سال ۲۰۰۰ پیش از میلاد، به سوریه راه یافت و از این راه هیتی ها هم با خط میخی آشنا شدند. این خط حدود ۱۴۰۰ پیش از میلاد خط بین المللی بخش بزرگی از غرب آسیا را تشکیل می داد. در هزاره اول پیش از میلاد اورارتوها هم خط میخی آشوری را گرفتند و ایرانیان در سده پنجم پیش از میلاد، برای نخستین بار به فرمان داریوش بزرگ خط میخی پارسی باستان را از خط ایلامی درست کردند. خط میخی پارسی باستان با این گمان که از خط ایلامی گرفته شده است خط مستقلی است و آن را می توان تنها خط میخی الفبایی نامید.

خط میخی پارسی باستان

خط میخی پارسی باستان از خط های میخی ایلامی و بابلی زاده شده است. این خط در نگاه نخست فرقی با دیگر خط های میخی ندارد، اما در یک نگاه در می یابیم که این خط دارای ویژگی های خود است و مخصوصا از نظر سادگی نشان ها و شمار محدود آن ها کاملا متفاوت از دیگر خط های میخی است. خط میخی پارسی باستان ۳۶ حرف یا نشان و ۸ هزارش (ایدئوگرام یا لوگوگرام) دارد. و از چپ به راست نوشته می شود. ویژگی این خط میخی نسبت به خط های میخی دیگر این است که:

۱- هیچ نشانی کم تر از دو میخ (جز نشان فاصل و نشان عدد ۱) و بیشتر از ۵ میخ (جز هزوارش های زمین و اهورامزدا) ندارد.

۲- هیچ نشانی بیشتر از ۴ میخ افقی ندارد (جز هزوارش اهورامزدا)

۳- هیچ نشانی بیشتر از ۳ میخ عمودی ندارد.





























۴- در هیچ نشانی بیشتر از دو عنصر زاویه که خود از دو میخ درست شده است وجود ندارد (جز هزوارش های زمین و اهورامزدا).

۵- جز در نشان "وی" هیچ گاه دو میخ همدیگر را به صورت عمود بر هم قطع نمی کنند.

به این ترتیب، ملاحظه می شود که شباهت خط میخی پارسی باستان با دیگر خط های میخی بسیار ناچیز است و هیچ نشانه ای از تکامل به مرور در آن به چشم نمی خورد، و این بدان معنی است که این خط در زمانی معین و به یک بار، با تقلید از تجربه های خط های میخی آسیای غربی پدید آمده است.


اکنون که دریافتیم که خط میخی پارسی باستان یک خط ابداعی است و در یک نوبت پدید آمده است، پس سازنده آن چه کسی است؟

الفبای خط میخی پارسی باستان

						
u	k ^a	k ^u	x ^a	g ^a	g ^u	c ^a
						
d ^a	d ⁱ	d ^u	t ^a	t ^u	θ ^a	ç ^a
						
p ^a	f ^a	b ^a	m ^a	m ⁱ	m ^u	y ^a
						
l ^a	v ^a	v ⁱ	s ^a	š ^a	z ^a	h ^a

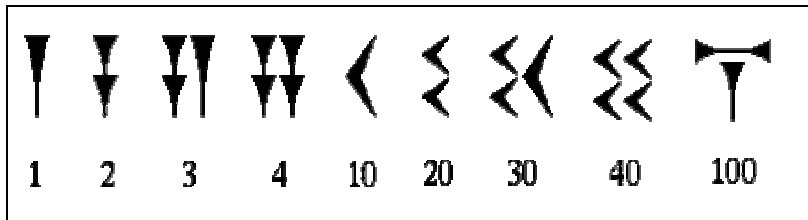

xšāyaθiya
 "king"


būmiš
 "earth"


dahyāuš
 "country"


baga
 "god"


Auramazdā
Ahuramazda



سازنده خط میخی پارسی باستان کیست؟

کهن ترین نبشته هایی که به این خط به دست ما رسیده اند یکی لوح های زرین اریارمنه و ارشام و سنگ نبشته های منسوب به کورش بزرگ در پاسارگاد می باشند. متن لوح زرین آریارمنه چنین است:

اریارمنه شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه در پارس، پسر پیش پیش شاه، نوه هخامنش. اریارمنه گوید، این کشور که من دارم، دارای اسبان خوب و مردان خوب است، خدای بزرگ اهورامزدا به من داد. به خواست اهورامزدا من شاه در این کشورم. اریارمنه شاه گوید، اهورامزدا مرا پشتیبانی فرماید.

لوح زرین ارشام پسر اریارمنه، با تفاوتی بسیار ناچیز دارای همان متن لوح اریارمنه است. و نبشته منسوب به کورش تنها از چهار واژه درست شده است. که در پاسارگاد در چهار جا تکرار شده است: من کورش، شاه هخامنشی.

اکنون که کهن ترین نبشته ها را به خط پارسی باستان شناختیم. باید به چند پرسش هم پاسخ داده شود.

۱- آیا پارسی باستان را باید در تاریخی پیش از اریارمنه جستجو کرد؟

۲- آیا این خط در زمان اریارمنه یا کورش درست شده است؟

۳- یا خط میخی پارسی باستان در روزگاری پس از اریارمنه و ارشام و کورش پدید آمده است و از این روی نبشته های منسوب به این سه شاه نمی توانند از خود آنان باشند.

بی گمان اگر تنها به پرسش سوم پاسخ داده شود، به پاسخ دو پرسش نخست نیز خواهیم رسید.

میدانیم که هخامنشیان حدود ۷۰۰ پیش از میلاد، به رهبری هخامنش حکومت کوچکی در پیرامون کوه های بختیاری و مسجد سلیمان امروز بنیان گذاشتند. پیش پیش، پسر و جانشین هخامنش، موفق به گسترش قلمرو هخامنشیان شده و به عنوان شاه انشان شهرت پیدا کرده بود، به هنگام مرگ سرزمین های زیر فرمانروایی خود را میان دو پسر خود اریارمنه و کورش، نیای کورش بزرگ، تقسیم کرد. پارس از آن اریارمنه شد و بخش غربی فرمانروایی از آن کورش. در شاخه شرقی، پس از اریارمنه، حکومت به پسرش ارشام، پدربزرگ داریوش رسید و در شاخه غربی، پس از کورش پسرش کمبوجیه، پدر کورش بزرگ حکومت را به دست گرفت. کورش بزرگ توانست با نام نخستین شاه نیرومند هخامنشی، فرمانروایی بزرگ هخامنشیان را تثبیت کند و تقریباً ارشام را از عنوان بیندازد. شش سال پس از کورش، با مرگ پسر و جانشینش کمبوجیه، داریوش توانست در سال ۵۲۲ پیش از میلاد،

در حالی که هنوز پدرش و ویشتاسپ و پدر بزرگش ارشام زنده بودند، فرمانروایی بر امپراطوری جهانی هخامنشیان را به شاخه خود انتقال دهد. اکنون به پرسش سوم برمی گردیم. به نظر می رسد که در زمان فرمانروایان پیش از داریوش خط میخی پارسی باستان وجود نداشته و سنگ نبشته های منسوب به اینان وسیله شخص دیگری پدید آمده اند.

۱- در لوح زرین منسوب به اریارمنه، این شاه خود را شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه در پارس می خواند، اگر بپذیریم در آغاز از صفت بزرگ، به رسم همه شاهان، به طور سمبولیک استفاده شده است، نویساننده این لوح در ادامه با یک تیر دو نشان زده است: هم جد بزرگوارش را شاه خوانده است و هم نخواسته است این واقعیت را که فقط او شاه در پارس است انکار کند. خود اریارمنه هرگز نمی توانست. با وجود برادرش، کورش شاه (شاه در بخش غربی فرمانروایی هخامنشیان)، خود را شاه شاهان بخواند. زیرا کسی می توانست خود را شاه شاهان بخواند که بر چندین شاه فرمانروایی بی چون و چرا داشته باشد. نگرانی دیگر این که اریارمنه، با توانایی محدودی که داشته، نمی توانسته است پدپد آورنده خطی باشد که از آن تنها یک لوح بر جای ماند.

۲- اگر در زمان اریارمنه خط میخی پارسی باستان وجود می داشت، لازم می بود که علاوه بر لوح زرین، نشانه های دیگری از این خط به دست آید. بررسی های باستان شناسان دست کم تا به امروز نشان داده اند که امکان دست یافتن به چنین نوشته ای تقریباً وجود ندارد.

۳- اگر در زمان ارشام خط میخی پارسی باستان وجود می داشت و لوح زرین منسوب به او از آن خود او می بود، او نمی توانست، با وجود حضور شخصی مقتدر مانند کورش بزرگ، خود را شاه شاهان بخواند، می دانیم که ارشام در برابر قدرت کورش حتا عنوان شاهی خود را از دست می دهد و در زمان کورش بزرگ فرمانروایی، عملاً و متحصراً از آن شاخه غربی هخامنشیان می شود.

۴- اگر اریارمنه و ارشام، نیاکان داریوش، به راستی شاه شاهان می بودند، چگونه داریوش در سنگ نبشته های خود، با وجود زنده بودن پدر و پدر بزرگش خود را شاه شاهان می نامند؟

۵- اگر خط میخی پارسی باستان در زمان کورش بزرگ وجود می داشت، لازم می آمد که در منشور مشهور او از خط میخی پارسی باستان هم استفاده می شد، یا نوشته های زیادی از زمان پرتحرک او به خط میخی پارسی باستان برجای می ماند.

۶- اگر در زمان کورش بزرگ خط میخی پارسی باستان وجود می داشت، بیشتر از اریارمنه و ارشام، او می توانست خود را شاه شاهان بخواند، اما در همه نبشته های منسوب به او تنها این چهار واژه آمده است: منم کورش شاه هخامنشی. این عبارت دروغ نیست، اما در مقایسه با لوح های اریارمنه و ارشام، در ارتباط با کورش بزرگ حق مطلب ادا نشده است.

۷- هزوارش ها پس از سنگ نبشته داریوش در بیستون ساخته شده اند. واژه شاه بیش از ۱۰۰ بار در بیستون تکرار می شود، که اگر به صورت هزوارش نوشته می شد، در بیستون، ۶۰۰ نشان خط میخی پارسی باستان کم تر کننده می شد. همچنین از هزوارش ها تنها هزوارش شاه در سنگ نبشته های (به غیر از بیستون) داریوش آمده است و پیداست که دیگر هزوارش ها پس از داریوش فراهم

آمده اند. بنا بر این دامن و آستین لباس کورش به راستی نمی توانسته اند در زمان خود او دارای نبشته ای به خط میخی پارسی باستان و استفاده از هزوارش شاه باشند.

همچنین داریوش بزرگ در بند ۷۰ متن ایلامی در بیستون، خود را پدید آورنده خط آریایی می داند. ترجمه بند ۷۰ متن ایلامی چنین است:

۱- دایوش شاه گوید: با

۲- یاری اهورامزدا خطی درست کردم

۳- از نوعی دیگر (یعنی) به آریایی

۴- آن که پیش از این نبود، هم بر روی لوح های گلی،

۵- هم بر روی پرگامنت. همچنین

۶- امضا و مهر کردم.

۷- این خط نوشته شد و برایم

۸- خوانده شد. سپس فرستادم

۹- این خط را به همه کشور ها.

۱۰- مردم این خط را آموختند.

مجموع این دلایل ثابت می کند که پیش از داریوش بزرگ خط میخی پارسی باستان وجود نداشته و این خط به دستور داریوش برای اینکه جوابگوی امپراطوری چند ملیتی ایران باشد به یکباره ابداع گردید.

روز دی باذر از ماه امرداد سال ۳۷۴۲ دینی

۱۳۸۳/۵/۴

آرمین کسروی

منابع:

Encyclopedia Iranica

Old Persian Text-Roland.G.Kent

Inscriptions- article by Jona lendering

هزاره های گمشده نوشته: دکتر پرویز رجبی جلد دوم و سوم

بیستون نوشته: مهندس علی اشرف پرگاری